

بقیه از شماره پیش

بقلم دکتر موسوی

داوری و دادرسی بین‌المللی

کنفرانس دوم لاهه در ۱۹۰۷

دوات روسیه تزاری در نامه‌ای که بدول جهان در سال ۱۹۰۶ ارسال داشت آن‌ها را از نظریات جدید برای اصلاح قرارداد لاهه ۱۸۹۹ در زمینه حل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی آگاه و بمنظور اتخاذ تصمیم در این مورد جهت شرکت در کنفرانس ۱۹۰۷ دعوت نمود .

این کنفرانس که در شهر لاهه و با حضور نمایندگان دول شرکت کنندگان در کنفرانس ۱۸۹۹ و عده زیادی از دول آسیا و امریکای لاتین تشکیل گردید بکنفرانس دوم لاهه معروف است کار کنفرانس در مسئله مورد بحث بیرونی از پیشنهاد نماینده ممالک متحده آمریکا شمالی عبارت بود از اصلاح و تکمیل تصمیمات متخذ در کنفرانس اول از جهت :

۱ - قبول اصل داوری اجباری و تسهیل دسترس بدیوان دائمی داوری

بین‌المللی .

۲ - تحکیم مبانی این دیوان که تنه‌امرجع قضائی بین‌المللی بود
و اینک شرح آنها :

الف - در امر قبول اصل داورى اجبارى کنفرانس دوم لاهه مانند کنفرانس اول با مخالفت نماینده دولت آلمان شد گرچه توسعه و تکامل روابط بین‌المللی و انواع احساساتى راتحادى برکنار نموده بود و دیگر در ماهیت قبول اصل داورى اجبارى مخالفتى نبود ولى نماینده آلمان از جهت تهیه قرار و انجام تشریفات صوری آن به قدرى اشکال تراشى نمود که همان نتیجه عدم موافقت با اصل قضیه حاصل شد
گرچه داورى اجبارى بالاخره با اکثریت ۳۵ رای در مقابل ۵ رای مخالف و ۴ رای ممتنع قبول شد.

ولى بطوریکه در شماره گذشته اشاره کردیم این معنی انحصار باختلافات ناشیه از تفسیر قرارداد های بین‌المللی و سایر مسائل حقوقی داشت و مراجعه بداورى اجبارى راپس از عدم موفقیت در مذاکرات سیاسى و رعایت شرایط دیگر الزامى مینمود به پیشنهاد کشورهای امریکای شمالی و انگلستان مقرر گردید که اختلافات چندى احصاء و بدون رعایت حدود و شرایط فوق از همان بدو ظهور اختلاف برای حل آن از طرق قضائى (اعم از داورى و دادگستری) اقدام شود.

بهین منظور پیشنهادات متعددى از طرف ۶ دولت شرکت کننده در کنفرانس بعمل آمد ولى مورد تصویب قرار نگرفت تا اینکه در ۱۶ اکتبر ۱۹۰۷ به پیشنهاد ایتالیا طرح زیر باتفاق آراء بتصویب رسید : «.. کنفرانس باتفاق آراء

۱ - اصل داورى اجبارى رامیشناسد.

۲ - اعلام میدارد که بعضى اختلافات مخصوصا اختلاف ناشیه از تفسیر و اجرای قرار داد های بین‌المللی بدون هیچگونه قید و شرط قابل ارجاع بداورى اجبارى
می باشد.»

این بود حدود پیشرفت کار کنفرانس در زمینه داوری اجباری لیکن مسئله تهیه قرارداد حکمت Cm promis خود مشکلاتی در کار مراجعہ بدآوری ایجاد مینمود که لازم بود تدابیری برای تسهیل تهیه آن اتخاذ شود بدین توضیح که کنفرانس اول صلح مقرر می داشت که برای مراجعہ بدآوری طرفین دعوی داور نامه ای تهیه و در آن موضوع، اسامی داوران، ارجاع امر بآنان و عنہ الإقتضا شرایط و اصول لازم الرعایه از طرف داوران را قید نمایند.

تهیه این سند بوسیله طرفین دعوی خالی از اشکال نبود ای بسا که در همان ابتدای کار با ناکامیهای مواجه میگشت.

کنفرانس ۱۹۰۷ موفق شد که تهیه قرارداد داوری را در دوماورد زیر بعهدد خود واگذار نماید و از تماس مستقیم طرفین بکاهد.

۱- در صورت تراضی طرفین

۲- در صورت تقاضای یکی از طرفین بشرطی که اختلاف از یک قرار داد حکمیت یا استهلاك بدهی ناشیه از قرارداد حاصل و حل آن از طریق سیاسی غیر مقدور باشد.

ب: عمده ترین اقدام کنفرانس مجاهدت در راه تحکیم مبانی ارکان قضائی بین المللی بود.

بطوریکه در شماره پیش متذکر شدیم دیوان دائمی بین المللی عبارت از یک دادگاه معین و یا مرکز اجتماع دائمی داوران نبود و بلکه منظور از دیوان نامبرده عبارت از صورت اسامی قضائی چند از کشورهای مختلف جهان در دفتر آن دیوان در لاهه بود که طرفین دعوی در هر مورد بخصوص کسانی را از میان این عده برای حکمیت بین خود انتخاب میکردند کنفرانس دوم علاقه داشت که این دیوان را بصورت یک دادگاه واقعی بین المللی در آورد و بدین ترتیب پایه ارکان قضائی بین المللی را

را استوارتر نماید.

نماینده روسیه پیشنهاد کرده بود داوران دیوان دائمی داوری بین‌المللی سالی یکمرتبه در لاهه جمع شوند و از میان خود سه نفر بمنظور تشکیل دائمی دیوان انتخاب نمایند و این سه نفر ماموریت خواهند داشت که در تمام سال مانند یک دادگاه عالی در لاهه تشکیل جلسه دهند و تمام اختلافات بین دول را مورد رسیدگی قرار دهند.

نماینده انازونی با تجربیاتی که از دادگاه بین‌المللی امریکا داشت طرحی در ۶ ماده تقدیم نمود.

این طرح که تعداد قضاات، صلاحیت آنان و طرز اجلاس و سایر مقررات مربوطه را پیش بینی کرده بود بعلت عدم تذکر نسبت بطرز انتخاب قضاات که مورد علاقه مخصوص نمایندگان دول بود مورد توجه قرار نگرفت درعین موافقت با اساس تشکیل آن مقرر گردید که قبل از هر اقدامی نسبت بطرز انتخاب داد رسان تصمیم لازم اتخاذ گردد.

برای انتخاب قضاات با توجه بکثرت تعداد دول شرکت کننده در کنفرانس انتخاب ولویک داد رس از هر کشور غیر مقدر بود زیرا که در حدود چهل و چهار-ار دولت در کنفرانس شرکت داشتند و اگر قرار میشد که هر کدام از دول یک داد رس تعیین کنند عده قضاات بحدی میرسید که شور و ادوسی در مسائل مطروحه را غیر ممکن مینمود ناچار مقرر گردید که تعداد قضاات را محدود تر سازند لیکن اشکال انتخاب آن هنوز بر طرف نشده بود و دول کوچک و متوسط معتقد باصل اکثریت آراء در انتخاب قضاات بودند و میگفتند اصل تساوی حقوق بین دول تساوی ارزش آراء آنان را ایجاب میکند پس هر یک از کاندیداها که رای بیشتر داشته باشند باید انتخاب شوند.

دول بزرگ بر عکس طرفداری اکثریت را يك نظریه سست و عوام فریبانه میدانستند و عقیده داشتند که باید ملاک عمل جمعیت کشورها باشد که در واقع دولتها نمایندگان آنها هستند چه که تساوی رأی نماینده هندوستان با جمهوری مثلاً کستاریکا Costa Rica و یا هندوراس Honduras در حقیقت تضییع حق افراد مسکون هندوستان خواهد بود و این برخلاف عدالت است که مقدرات مثلاً چهارصد میلیون بشر را اراده نماینده يك یا دو میلیون نفر تعیین نماید و انگهی متناسب وسعت فرهنگ کشورها مطالعات و تخصص قضاتشان بیشتر و بالنتیجه آراء شان از لحاظ حقوقی دقیقتر و بواقعیات نزدیکتر است. (۱)

کشورهای کوچک طرفدار جدی تساوی آراء و مخالف سرسخت نظریه فوق بوده و استدلال میکردند که اشخاص حقوق بین الملل دول هستند همان وضع حقوقی را که یک فرد در حقوق داخلی دارد يك دولت در حقوق بین الملل دارا میباشد همچنان که در حقوق داخلی قدرت و ضعف افراد از لحاظ تساوی آنان در مقابل قانون تأییری ندارد از جهت حقوق بین المللی هم کیفیت دول که افراد آن هستند نباید موجب عدم تساوی آنها در مواجهه با مقررات بین المللی گردند. (۲)

و انگهی از نظر حقوق بین المللی دولت دارای عناصر سه گانه (جمعیت ، خاک و حکومت) میباشد و علتی ندارد که ارزش بین المللی دول را با صرف نظر از کیفیت دو عنصر دیگر فقط بر پایه جمعیت قرار دهیم و اگر بنا شود که هر يك از این عناصر از جهت

۱ - این نکته قابل توجه است با اینکه همین دول بزرگ پنجاه سال پیش مدافع نظریه بالا بودند امروز چرخ سازمان ملل متفق را که تصمیمات آن با مقدرات میلیونها بشر بستگی دارد با افراط در همان اصولی که نیم قرن پیش بعوام فریبی تعبیر کرده اند بحرکت در می آورند مثلاً بارامی با اصطلاح نماینده یا نصد هزار نفر «چیانکای چک» نماینده با نصد میلیون مردم چین را از شرکت در سازمان ملل متفق جلو گیری مینمایند و بجزرات میتوان گفت که یکی از علل ناکامیهای سازمان در حفظ صلح جهان همین روش عوام فریبانه و برخلاف حق اوست

بین‌المللی دارای ارزشی باشند چرا باید بسعت خاک و قدرت حکومت که مسلماً در روابط بین‌المللی کیفیت این دو عنصر نیز تاثیر فراوانی دارد توجهی نکنیم (۱)

این اختلاف عقیده در کار تشکیل دیوان داد گستری بین‌المللی مشکلات لاینحلی ایجاد نمود برای حل آن پیشنهادات متعددی رسید در نظر داشتند دول را از لحاظ جغرافیائی یا معتقدات مذهبی و یا خصوصیات نژادی تقسیم و برای هر گروه یک نماینده در نظر بگیرند ولی هیچکدام از این خصوصیات که خود غالباً موجب ایجاد نفاق است گرهی از کار نگشود.

نماینده آمریکای شمالی پیشنهاد کرد که هر یک از دول بتساوی عده‌ای را بدفتر دیوان دآوری معرفی کنند، دفتر دیوان اسامی همه معرفی شدگان را بدولتها بفرستد و هر یک از دول از میان آنها ۱۵ نفر را انتخاب و بدفتر دیوان دآوری معرفی نمایند از میان تمام انتخاب شده گان ۱۵ نفر اولی که اکثریت داشته باشند بصورت دائمی دیوان انتخاب گردند ولی این پیشنهاد هم با اکثریت ۹ رای مخالف در مقابل ۵ رای موافق در کمیسیون مربوطه رد شد

نظریه دیگر این بود که برای چند دولت بزرگ کرسی ثابت (۲) اعطا و در مورد دول دیگر اصل تناوب (Rotation) دو نفر گرفته شود. لیکن سرانجام برای قبول این نظریه هم توافقی حاصل نشد و بالاخره کار تشکیل دیوان داد گستری بعهده

۱ - اگر این استدلال در روز تشکیل کنفرانس از جهت حقوقی کاملاً صحیح بود امروز با توجه باینکه در موارد خاصی اشخاص نیز میتوانند موضوع حقوق بین‌الملل قرار گیرند در خود توجه زیاد نمیباشد و انگهی اگر کمی رئالیست Réaliste باشیم و واقعیات را در نظر بگیریم باید اقرار کنیم: در دنیائی که بشر در راه تصویب قرارداد حقوق بشر است

Pacte international de Droits del' Hmme و در واقع تمام مقررات حقوقی برای آسایش و خوشبختی اوست و خود حقوق بین‌الملل را بنام حقوق مردم Droit des gens مینامند تا این حد با اصول خشک حقوقی پای بند شدن و برای زمین یعنی سنك و خاک و آهك همان ارزش حقوقی بشر را شناختن و در کفه ترازوی بین‌المللی این هر دو را بتساوی نام بردن دور از منطق صحیح واقع بین است

(۲) همان اصولی که امروزه در تشکیلات مختلف سازمان ملل متفق اتخاذ شده است.

تعویق افتاد. کنفرانس ناچار در جزء آخرین کارهای خود بتاريخ ۱۶ اکتبر ۱۹۰۷ بتمام دول عضو توصیه نمود که برای پیدا کردن راه حلی جهت انتخاب قضاات وبالنتیجه تشکیل دیوان دادگستری اقدام لازم معمول دارند.

این بود نتیجه کار کنفرانس دوم لاهه در زمینه تاسیس ارکان قضائی بین المللی که باوجود مجاهدتهای فراوان نتیجه عملی حاصل نشد تا اینکه کنفرانس «ورسای» ۱۹۱۹ مشکل این کار را از میان برداشت و مادر جای خود مفصلاً راجع بآن سخن خواهیم گفت:

کنفرانس ۱۹۰۷ گرچه از جهت فوق مواجه باشکست گردید لیکن بتاسیس دادگاه دیگری بنام دیوان غنائم بحری (La cour des prises) مبادرت کرد که در مقام گفتگو از دادرسی بین المللی فابل ذکر است. بدین توضیح که مقررات بین المللی بدون متخاصم حق میداد که کشتی های تحت مالکیت اشخاص و دول بیطرف را توقیف و پس از محاکمه بر طبق مقررات داخلی، در صورت ثبوت تقصیر، برای همیشه ضبط و الا آزاد نمایند. دول متخاصم باحداکثر استفاده از این حق بدلائیل مالکین کشتی ها توجه چندانی نمیکردند. این امر موجب نارضایتی اشخاص و دول بیطرف بود. کنفرانس دوم موفق شد که اساس تشکیل دادگاه تجدیدنظر بین المللی در لاهه را تصویب کند تا نسبت دادگاههای داخلی در زمینه غنائم بحری استینافاً رسیدگی نماید. گرچه قرارداد تاسیس آن که شامل طرز تشکیل دیوان و اصول دادرسی و سایر مقررات مربوطه است بتصویب کنفرانس رسید لیکن فقدان قانون مدون جنگهای دریائی که میبایستی ملاک عمل دیوان تجدیدنظر نامبرده قرار گیرد دول بزرگ دریائی مخصوصاً انگلستانرا نسبت بآرائی که ممکن بود از این دادگاه صادر شود ظنین نمود. بالاخره مقرر شد که شروع بکار دیوان مذکور ببعد از تصویب قانون نامبرده موکول شود و انجام این منظور هم بعهده کنفرانس لندن ۱۹۰۹ واگذار گردید. متأسفانه

با وجود تصویب کنفرانس نامبرده بعلت عدم موافقت مجلس لردهای انگلستان بالاخره بصورت عمل در نیامد.

این بود خلاصه‌ای از نتایج کار کنفرانسهای لاهه در امر دادرسی و داوری بین‌المللی که علاوه بر آنکه موفق بتأسیس دیوان داوری لاهه و تهیه طرح دیوان دادگستری گردید و مراجعه بداورری را در بعضی از موارد اجباری معرفی نمود موجب آن شد که برای اولین بار در تاریخ جهان عهدنامه‌ها و قراردادهای تقریباً جهانی بین غالب دول که بر روی دولتهای دیگر هم باز بود، بسته شد و مقرراتی برای حل مسالمت آمیز دعاوی بین‌المللی وضع گردید. نتیجه این اقدامات آن شد که تا سال ۱۹۳۸ بیشتر از بیست مرتبه دیوان داوری لاهه در مسائل متعدد و قابل توجه اظهار عقیده کرد واضطراب و نگرانیهای بین‌المللی را بر طرف ساخت.